

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد سیاستگذاری عمومی

عنوان: نقش قومیت ها در امنیت ملی ج.ا.ایران
(مطالعه موردی قوم بلوچ)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر صادق زیباکلام

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر کیامرث جهانگیر

نگارش:

احمد غلامی پور

بهمن ۱۳۸۹

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

که دعای خیرشان همواره در طول تحصیل بدرقهٔ راه من بوده است

و

همسر گرانقدرم

که صمیمانه، مشفقانه و صبورانه در طول مدت تحصیل و نگارش پایان نامه
همراهی ام کرده است.

سیاسگذاری:

تدوین این پایان نامه مرهون بهره گیری از محضر استادان علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در طول سالهای تحصیل بوده است.

قبل از هرچیز مراتب سپاس و قدردانی خود را از استاد راهنما جناب آقای دکتر زیباکلام و استاد مشاور جناب آقای دکتر جهانگیر که در تدوین پایان نامه از ایده ها و نظریات و دانش ژرف این دو بزرگوار بهره مند بودم، اعلام می دارم.

در واقع انجام و تدوین این پایان نامه بدون همکاری و راهنمایی های ارزنده این دو استاد گرامی میسر نبوده و از این رو مراتب تشکر خود را به محضر آنان تقدیم می نمایم.

چکیده:

کشور ایران از جمله کشورهایی است که قومیت های مختلفی در آن پراکنده اند که به مثابه وجود موزائیک هایی قومی مختلفی در قسمت هایی از کشور پراکنده شده اند که از جمله آن می توان از قوم بلوچ نام برد که در جنوب شرق کشور ایران سکونت دارند. فقر و محرومیت نسبی مردم منطقه، دوری از مرکز، وجود آب و هوای خشن مجاورت با کشورهای بی ثبات افغانستان و پاکستان، درگیری با تروریسم، معضل مواد مخدر، اندیشه های طالبانیسم، تحریکات منطقه ای اعمال شده از سوی بیگانگان، دخالت های خارجی در منطقه و ... باعث شده است که این منطقه از کشور به لحاظ امنیتی بسیار حائز اهمیت جلوه نماید و حضور قوم بلوچ ساکن در این منطقه بیش از پیش بر نقش این قوم در امنیت منطقه صحه می گذارد. حضور اتباع افغان، معضل قاچاق مواد مخدر، مسائل مذهبی و دینی موجود در منطقه، و ... از دیگر مواردی است که امنیت این منطقه از کشور را با چالش های جدی روبرو ساخته است.

کلید واژه ها: قومیت، ناسیونالیسم، امنیت ملی، همبستگی.

"فهرست مطالب"

عنوان صفحه

مقدمه

- ۱- بیان مسأله ۲
- ۲- ضرورت تحقیق ۶
- ۳- اهداف تحقیق ۹
- ۴- پیشینه تحقیق ۱۰
- ۵- سؤالات تحقیق ۱۲
- ۶- فرضیه تحقیق ۱۳
- ۷- روش ها و فنون اجرایی طرح ۱۳

فصل اول: مبانی نظری پژوهش و بررسی چارچوب نظری

- مقدمه ۱۵
- ادبیات موضوع ۱۷
- بخش اول: رهیافت های نظری قومیت و ناسیونالیسم ۱۹
- الف) نظریه اسلام و قومیت ۲۲
- ب) نظریه های سیاسی بروز بحران قومی ۲۸
- ۱- تضعیف الگوی ملت - دولت و کاهش قدرت حکومت مرکزی ۲۸
- ۲- دموکراسی، کثرت گرایی، خودمختاری و فدرالیسم ۳۱
- ۳- ناسیونالیسم قومی ۳۴

- ۳۵.....۴- استعمار داخلی
- ۳۷.....۵- محرومیت نسبی
- ۴۱.....ج) نظریه های بین المللی و بحران های قومی
- ۴۲۱- دوران گذار و ساخت نظام بین الملل
- ۴۲۲- نقش ابرقدرت ها، استعمارگران و دخالت خارجی
- ۴۵۳- جامعه بین المللی
- ۴۷۴- جغرافیای سیاسی
- ۴۹د) نظریه های اجتماعی بروز بحران های قومی
- ۴۹.....۱- ظهور جنبش های اجتماعی - قومی
- ۵۱.....۲- وجود خرده فرهنگ های قومی
- ۵۳.....۳- جامعه شناسی سیاسی و ستیزهای قومی
- ۵۳.....۴- اندیشه برتری قومی و نژادی
- ۵۴۵- رقابت بر سر منابع
- ۵۵۶- رقابت نخبگان
- ۵۵- بخش دوم: چارچوب نظری پژوهش حاضر
- ۵۹- نتیجه گیری

فصل دوم: معرفی بلوچستان، گفتمان های موجود و سیاست های اتخاذی

- ۶۱- مقدمه
- ۶۲- بخش اول: معرفی بلوچستان
- ۷۰.....- بخش دوم: پیشینه بلوچستان
- ۷۲الف- بلوچستان در زمان قاجار
- ۷۴ب- بلوچستان در عصر پهلوی

- بخش سوم: گروه های موجود در منطقه پس از انقلاب..... ۷۵
- بخش چهارم: سیاست های قومی بعد از انقلاب..... ۸۴
- نتیجه گیری..... ۹۲

فصل سوم: بررسی مسائل داخلی قوم بلوچ و استان سیستان و بلوچستان

- مقدمه ۹۵
- بخش اول: محرومیت و مسائل اقتصادی استان و اقدامات دولت..... ۹۵
- بخش دوم: نخبگان قومی و غیرقومی بلوچستان..... ۱۱۰
- بخش سوم: روند انتصاب مشاغل و مناصب دولتی و مشارکت قوم بلوچ..... ۱۱۴
- نتیجه گیری..... ۱۱۸

فصل چهارم: مسائل منطقه ای و بین المللی

- مقدمه ۱۲۱
- بخش اول: جغرافیای سیاسی منطقه..... ۱۲۱
- الف) همجواری با افغانستان، پاکستان و حوزه خلیج فارس..... ۱۲۳
- ب) عدم انطباق مرزهای سیاسی با مرزهای فرهنگی و قومی..... ۱۲۵
- ج) مسائل مذهبی..... ۱۲۶
- بخش دوم: نیروهای منطقه ای..... ۱۳۳
- الف- منازعات شبه قاره و پاکستان..... ۱۳۵
- ب- ارتباط با بلوچ های پاکستان..... ۱۳۸
- پ- مهاجرت های داخلی و خارجی..... ۱۴۲
- ت- طالبان و تروریسم..... ۱۴۳

۱۴۴ث- الگوپذیری از طالبان
۱۴۶- بخش سوم: بررسی عوامل خارجی
۱۴۹الف) مسائل بین المللی و دخالت بیگانگان
۱۵۳ب) حمایت غرب از تروریست ها در منطقه
۱۵۷- نتیجه گیری
۱۵۸نتیجه گیری کلی، راهکارها و پیشنهادات
۱۶۶فهرست منابع

مقدمه

۱- بیان مسأله

در عصر حاضر معضل "قومیت" به عنوان مشکلی بزرگ بر سر راه بسیاری از کشورها خودنمایی می‌کند. واقعیت این است که تصور جهانی فارغ از ناسیونالیسم قومی غیرممکن است چرا که انسانها در جوامعی زندگی می‌کنند که ذاتاً گوناگون بوده و همین گوناگونی به تنوع در حوزه هویت منجر می‌شود. صاحب نظران و سیاستگذارانی که طی دهه‌ها حوادث جهانی را از منظر جنگ سرد مشاهده می‌کردند اکنون شاهد جهانی هستند که در آن ملی‌گرایی و تمایلات قومی منبع اولیه درگیری‌های مسلحانه و فرسایش جهانی قدرت دولت - ملت را به دنبال داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها تعداد کمی از کشورهای جهان دارای یک گروه قومی بوده و اقلیت قابل توجهی در آنها وجود ندارد و برخی کشورها به نوعی درگیری مسائل قومی و نژادی هستند، بطوریکه اکثر جنگ‌های بوجود آمده در سالهای پس از جنگ جهانی دوم بعلت درگیری‌های قومی بوده تا جائیکه بسیاری از تحلیلگران سیاسی جهان که پیرامون تضادها و بحران‌ها به نظریه پردازی و مطالعه پرداخته‌اند، بر این نکته اتفاق نظر دارند که امروزه برخلاف گذشته منابع اصلی تضاد و بحران‌ها در سطح جهانی را اقتصاد تشکیل نمی‌دهد بلکه منبع اصلی چالش‌ها و تضادها، تضاد "فرهنگی - قومی" است. بسیاری از کشورهایی که در گذشته با پشت سر گذاشتن فرایند سخت "ملت‌سازی" متولد شده‌اند، اکنون بعنوان یک واحد ملی زیر سؤال رفته و امواج قوم‌گرایی و جدائی‌طلبی آن‌ها را فراگرفته است. باید توجه داشت که تعدد گروه‌های قومی - مذهبی در هر جامعه‌ای به علت تفاوت در نظام ارزشی و هنجاری، منشأ بالقوه‌ای برای تضعیف و تهدیدی برای انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین هر نظام سیاسی باید سیاست‌های قومی مشخص و مدوتی در مورد گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی خویش داشته باشد. سیاست‌های قومی نسنجیده، نامدوّن و گاه متعارض نه تنها نظام سیاسی و دستگاه اجرائی حکومت‌ها را در دستیابی به اهداف خود ناکام می‌سازد بلکه مناسبات قومی را بر هم زده و به تشدید تعارضات خشونت‌آمیز منجر می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

با توجه به ارتباط قومیت و امنیت در سطوح ملی و فراملی و اینکه مقوله قومیت یکی از مهمترین شاخص‌های ظرفیت طبیعی در کشورهاست که بطور مستقیم بر امنیت یک کشور تأثیرگذار می‌باشد و نظر به اهمیت یافتن پدیده امنیت برای بسیاری از کشورها و قرارگیری آن در صدر اهداف اولیه کشورها و متکی بودن منافع ملی کشورها در راستای افزایش هرچه بیشتر امنیت خود، اهمیت موضوع قومیت‌ها نیز در وضعیت امنیتی یک کشور بیش از پیش مورد ملاحظه قرار داده شده است، بطوریکه تحلیلگران سیاسی و اجتماعی تأکید اساسی بر آن داشته و نقش و جایگاه آن را بعنوان متغیری امنیتی در مطالعه امنیت ملی جوامع چند قومی

مد نظر قرار داده اند. با در نظر گرفتن این موضوع که کشمکشهای قومی همیشه در زندگی سیاسی و تکوین و اضمحلال دولتها نقش داشته و فتح سرزمین قومی به وسیله قومی دیگر یکی از عوامل تشکیل دولتها بوده است، می توان گفت امروزه نیز قومیت ها بوسیله نیروهای خارجی بیش از هر زمان دیگری تحریک می شوند و لذا در این میان نقش دولت بیش از هر زمان دیگری پر رنگ تر شده و دولت ها می بایست در شناسایی و تحلیل بررسی عوامل موجود در ایجاد بحران و همچنین یافتن شیوه ها و راههای مناسب برای کنترل و مهار آنها می باشد پیشقدم باشند. (افتخاری، ۱۳۷۸، ص ۴۵)

موضوع تنوع قومی و فرهنگی از آنجایی که در ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با موضوعات و مقولاتی همچون «وحدت و یکپارچگی ملی» و «هویت ملی» و نیز «امنیت ملی» است از این رو ویژگی «تنوع و تکثر» در جامعه ایرانی به مثابه شمشیر دو تیغی است که هم می تواند فرصت باشد و هم به عنوان یک تهدید تلقی گردد. لذا یادآوری این نکته بسیار ضروری است که هیچگاه طرح مسأله قومیت ها ناقض اندیشه «اتحاد» یا منکر اصل «وحدت ملی» نیست، بلکه عدم پرداختن به اینگونه مسائل یا به حاشیه می تواند تهدیدی برای «وحدت و اتحاد ملی» باشد ولی پیش از هر چیز باید ذهنیت خود را از انگاره ها و نگرش های مطلق گرا و دیدگاه های یکسویه نگر که متأسفانه به شکل برجسته ای در ادبیات سیاسی ما و به ویژه در برخورد با مسأله قومیت ها و فرهنگ های مختلف نمود می یابند، بزدا بیم. در شرایط حال حاضر آنچه بیش از پیش بر اهمیت موضوع مورد بحث افزوده و به آن ابعاد فرامرزی، منطقه ای و جهانی بخشیده است در واقع متأثر از عواملی است که نقش بسزایی در فراهم آوردن امکان درک بهتر مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برای انسان ها دارند که عبارتند از: انقلاب در عرصه ارتباطات و اطلاعات، از بین رفتن حدود و فواصل و موانع جغرافیایی و مرزهای فرهنگی، ارتقاء و رشد سطح آگاهی های عمومی و نیز شناخت مردم نسبت به هویت های فردی و گروهی خود. (هفته نامه پگاه حوزه، دی ۱۳۸۶، شماره ۲۲۳)

همزمان با دیگر مناطق جهان، مسأله قومیت ها در ایران نیز عکس العملی در برابر تشکیل دولت ملی بود، بطوریکه تا اواخر دوره قاجاریه که دولت مرکزی به شیوه امپراتوری اداره می شد و دخالتی در امور ایالات و ولایات نداشت، هویت سنتی ایرانی در میان اقوام امری پذیرفته بود و هیچ قومی در صدد خودمختاری نبودند و حتی زبان فارسی به عنوان ادبی و هنری پذیرفته شده بود. برخی نویسندگان تشکیل دولت ملی در ایران را مقدمه ای برای تشکیل قومیت ها دانسته و برخی دیگر محدودیت ها و نابرابری های اقتصادی را باعث ایجاد قومیت دانسته و برخی نیز و اینکه چگونگی توزیع اقوام بر ایجاد امنیت و افزایش آرامش در منطقه تأثیر می گذارد. (ایوبی، ۱۳۷۷، ص ۲۳)

باز خوانی تاریخ و آسیب شناسی امنیت داخلی ایران از این نظرگاه می تواند بستر خوبی برای تقویت ثبات کشور در داخل و خارج فراهم آورد و بنابراین در جامعه ایرانی که موزائیکی از همنشینی اقوام گوناگون در قالب ملّتی واحد و کشوری یکپارچه است، توجه به اقوام و مسائل مربوط به قومیت ها بعنوان نقطه قوت و سرمایه ملی مهم بوده و هر تهدیدی پیرامون مسأله قومیت ها تهدیدی برای منافع و امنیت ملّی به شمار می رود. (مجتبی مقصودی، ۱۳۸۰، ص ۱۹)

تعدد و تنوع اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های "کثیر القوم" و "جامعه چند قومی" بر ترکیب جمعیتی آن، از واقعیتی غیر قابل انکار خبر می‌دهد و حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و لرها در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر تنوع فرهنگی و قومی جامعه ایران است. در واقع الگوی فرهنگی قومی کشور ایران همانند فرش‌های چشم نواز و نفیس کشورمان که برغم ویژگی‌های مشترک، از رنگ‌ها و طرح‌های متمایز و متنوعی بهره برده و بافته شده‌اند، الگوی پیچیده‌ای متشکل از گروه‌های قومی، زبانی، مذهبی، نژادی، فرهنگی و منطقه‌ای را به معرض نمایش می‌گذارد، تا جایی که به جرأت می‌توان ادعا کرد این تنوع و پیچیدگی، خصیصه بنیاد - نه خاص - جامعه ایران است. این تنوع فرهنگی و وجود برخی ویژگی‌های فرهنگی و هویتی، تنظیم مناسبات و تعامل میان فرهنگ و هویت ملّی با خرده فرهنگ ها، حفظ انسجام و همبستگی ملّی و در عین حال مدیریت صحیح و منطقی متناسب با واقعیت موجود در آن، ضرورت تدوین سیاست ویژه ای برای مدیریت این جامعه چند فرهنگی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. جالب اینجاست که تمام اقوام در حاشیه و گوشه و کنار ایران به سر می‌برند و این حاشیه نشین بودن و دوری از مرکز این اقوام آنها می‌تواند در شرایط خاصی تبعاتی ناخوشایند برای کشور داشته باشد. مسائل قومی می‌تواند بعنوان چالشی در شرایط و احوال خاصی در کشورهای جهان سوم چون ایران بروز نماید و منافع و امنیت ملّی را نشانه رود.

در ایران اگر چه فارسی‌زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت (قومیت مرکزی) اکثریت دارند، لیکن وجود شش قومیت عمده شامل ۲۲ درصد ترک، حدود ۶ درصد کرد، بیش از ۶ درصد لر، حدود ۲/۵ درصد بلوچ و تقریباً ۲ درصد عرب در درون این واحد ملّی و تأثیرات شگرف آنها بر سیر تحولات تاریخی و واقعیتی انکارناپذیر است و می‌تواند مبنای پیش‌بینی وضعیت آینده امنیتی کشور باشد. با توجه به اینکه اکثریت ترک ها و لرها شیعه مذهب هستند و درصد قابل توجهی از کردها و بلوچ ها و نیز عرب ها شیعه می‌باشند، توجه به این موضوع که فقط فارس ها شیعه مذهب هستند کاری نادرست بوده چرا که این موضوع باعث گره خوردن مذهب و قومیت می‌شود که بر همبستگی و منافع ملّی تأثیر سوء خواهد داشت. پس می‌توان گفت ترکیب جمعیتی

ایران از چند جزء نامتوازن و ناهمسان تشکیل شده است، بطوریکه به هر میزان که از مرکز مبتنی بر قوم اکثریت (فارس شیعه مذهب) به پیرامون حرکت کنیم، نمادهای همبسته ساز میان این اقوام متأثر و به نوعی تضعیف می گردد، به نحوی که در برخی از مناطق کشور که بیشتر مبتنی بر اقوام غیرفارس و غیرشیعه مذهب می باشد و دنباله جمعیتی آنها به خارج از کشور کشیده شده است، با بحران هایی مواجه هستیم که یکپارچگی سرزمینی کشور را در مقاطع خاص حکومتی که حکومت مرکزی تضعیف می گردد، تهدید می کند. در ایران امروزی وجود ناسیونالیسم قومی، تمایز قومی و اختلافات بین قومی می تواند جنبش بالقوه قومی را پدید آورد. عوامل فوق ریشه در نارضایتی قومی حادی دارد که می تواند به شکل گیری سازمان سیاسی قومی منجر بشود ولی این عوامل نقش محدودی در ایجاد کنش سیاسی آشکار دارند.

موضوع قومیت در این منطقه با توجه به تعدد گروههای قومی و پیشینه تاریخی شان باعث شکل گیری مسائلی در جنوب شرق شده است که بعضاً باعث عدم همبستگی شده که این موضوع در کنار تحریکات بیگانگان در منطقه جنوبشرق و بعد مذهبی (شیعه و سنی) در منطقه سیستان و بلوچستان و همچنین خودی داشتن بلوچ ها با بلوچ های پاکستان روی گردانی از مرکز و یکی دانستن احساس شهروندی و نگاه تاریخی آنان می تواند در چارچوب منافع کشورهای بیگانه بسیار خطر آفرین بوده و لزوم توجه به امر قومیت و تأثیر آن بر امنیت را دو چندان می سازد، هرچند بسیاری از بلوچ های شیعه مذهب دارای گرایشات ملی گرایانه و انقلابی بوده و حتی در دوران های مختلف انقلاب تاکنون نیز شهدائی را تقدیم انقلاب کرده اند.

قوم بلوچ عمدتاً در جنوب شرقی ایران (استان سیستان و بلوچستان) ساکن بوده و از ویژگی های بارز آنها یکی کمبود امکانات رفاهی و معیشتی شان و دیگری سنی بودن آنهاست. البته یک اقلیت ۲ تا ۳ درصدی از شیعه نیز وجود دارد که در مقایسه با کل سنی مذهب چندان نقش آفرین نیستند. همجواری بلوچ های ایران با بلوچ های افغانستان و به ویژه مرکز عمده بلوچ ها در پاکستان که فعالترین بلوچ ها به حساب می آید تأثیر بسزائی در ظهور گرایش های سیاسی در این منطقه دارد.

مسائل و عوامل اقتصادی این منطقه، هم مرزی با کشورهای افغانستان و پاکستان، قاچاق مواد مخدر، مشکلات اقتصادی و معیشتی ساکنین منطقه، تحرکات بیگانگان در جهت اقدامات تحریک آمیز به منظور خدشه دار نمودن همبستگی بین اقوام در کنار وجود اتباع کشورهای مجاور از جمله پاکستان و افغانستان و قومیت ها و نگرش های متفاوت دینی و مذهبی در منطقه و ... از جمله مواردی است که تأثیر مستقیم بر روند امنیتی منطقه گذاشته و بررسی نقش قوم بلوچ در این زمینه مد نظر قرار می گیرد.

مسائل منطقه ای موجود، من جمله تأکید جهان استکبار مبنی بر اعمال فشار بر کشور ایران در جهت تحقق اهداف شان و نیز وقوع حوادث تروریستی اخیر با ماهیتی عمدتاً بین المللی منتهی با رنگ و لعاب قومی و مذهبی، دنباله خویشاوندی و مذهبی قوم بلوچ در کشورهای همسایه و نیز تعارض سیاست خارجی ایران با سنخ نظام بین الملل بخصوص ایالات متحده و از منظر لزوم پیش بینی علمی و آینده نگری نمی توان این موضوع را از نظر دور انگاشت و می بایست ضمن توجه ویژه به موضوع قومیت در منطقه جنوب شرق، به بررسی و تبیین ابعاد و جنبه های مختلف آن پرداخت.

۲- ضرورت تحقیق

از آنجا که قومیت یکی از شاخصه های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها در جهت نیل به ثبات و دوری از خشونت به حساب می آید، امنیت کشورها در دهه آینده بدون توجه به این بعد رقم نخواهد خورد. گسست های قومی با دیگر اقوام ساکن در کشور، در مقام یکی از مهمترین مصادیق مربوط به بعد نرم افزاری ظرفیت طبیعی کشورهای چند قومیتی، در بروز رفتارهای خشونت بار بیشترین میزان تأثیر را داشته اند. از آنجا که قومیت و ناسیونالیسم قومی به عنوان متغیر بی ثباتی سیاسی داخلی نگریسته می شود، این عامل به عنوان یکی از نیروهای مورد استفاده قدرت های بین المللی در برقراری توازن قدرت در منطقه به حساب می آید که می تواند امنیت کشورهای جهان سوم را به تهدید بیاندازد و با توجه به این نکته که قومیت دارای یک میزان تهدید زائی است، می توان آنرا بعنوان متغیر امنیتی مورد بررسی قرار داد. قومیت ها با زیر عنوان هایی چون انفکاک قومی، علایق قومی، گرایشات واگرایانه، استقلال خواهی یا تجزیه طلبی، هویت قومی و چالش های قومی در مقیاس ملی عناوینی هستند که نیازمند مطالعه از منظر امنیت ملی و هویت ملی است. اعتقاد بر این است که چند پارگی و تشتت آرا و تبدیل یک دولت - ملت به گروههای قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسأله پیچیده امنیت ملی در جهان سوم می افزاید. شاید ملموس ترین مورد، ناکامی کشورهای در حال توسعه در ایجاد یک احساس مشترک عمومی درباره ارزش ها و و علایق ملی مشترک باشد. شکافهای گروهی ریشه دار، اجازه گرد آمدن نیازها، ارزش ها و علایق ملی را بیش از آن مقدار که از قبل وجود داشته، نمی دهد. هر گروه قومی، هویت جمعی خاص خود را بر اساس ارزش ها و علایق گروهی، به جای ارزش و علایق ملی ایجاد می کند. (بنی هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۲۱)

موضوع قومیت ها و گسست های ناشی از شرایط جغرافیایی و در نتیجه وجود خرده فرهنگ های منطقه ای از جمله مسائلی است که اگر به آنها توجه کافی نشود امنیت و یکپارچگی سیاسی و اجتماعی کشور

مورد تهدید جدی قرار گرفته و لذا پیوندهای ارگانیک شهروندان و برابری حقوق در دولت و نهادهای تابعه آن باعث تقویت مشروعیت نظام سیاسی و وحدت ملی می گردد.

همانطوری که قومیت ها تهدیدی برای دولت ها هستند، سیاستهای اتخاذ شده از سوی دولت نیز می تواند تهدیداتی را متوجه امنیت گروههای قومی نماید و چنانچه قومی از سوی دولت مورد تهدید و تعدی قرار گیرد انتظار وجود جنبش های قومی دور از انتظار نخواهد بود و اینجاست که نقش قومیت ها در امنیت دولت ها محرز شده و ضرورت توجه به آن را می طلبد چرا که این تهدیدهای نشأت گرفته از سوی قومیت ها می تواند منجر به تضعیف مشروعیت سیاسی و ناکارآمدی دولت در بسیج سیاسی و انحصار زدایی دولت و تضعیف هویت ملی فراگیر گردد و عاملی در جهت انسجام زدایی در عرصه هویت و قدرت ملی خواهد شد.

در کشور ایران نیز موضوع قومیت تبدیل به موضوعی بسیار گسترده و وسیع شده است و حضور اقوام مختلف اعم از کرد، لر، ترک، عرب و بلوچ نمایانگر این موضوع می باشد. این کلیت یکپارچه تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی با چالش هایی مواجه شده، به گونه ای که در طول زمان گاه وحدت و همبستگی ملی آن دچار آسیب ها و تهدیداتی گردیده است. بنابراین مسئله حفظ، تداوم و ارتقای همبستگی و وحدت ملی در راستای ایجاد امنیت ملی همواره به عنوان یک هدف استراتژیک مورد توجه حکومت های ایران بوده و مسئله ای که همچنان اولویت خود را حفظ کرده است. در این راستا وجود پتانسیل بالای منازعات فرقه ای در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از مهمترین مؤلفه هایی است که می تواند تهدیدهایی را برای نهادینه سازی وحدت و انسجام ملی در بازده های زمانی سند چشم انداز به وجود آورد. به همین منظور یکی از ملزومات زیربنایی مدیریت نرم افزاری امنیت خارجی کشور، شناسایی، رصد و طبقه بندی موزائیکی تهدیدهای نرمی است که از جانب هر کدام از پانزده کشور همسایه میتواند بنیانهای اقتدار ملی را با چالشهایی مواجه کند.

هرچند همنوایی، همدلی و همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه، قاعده کلی حاکم بر مناسبات اقوام ایرانی بوده، منتهی در برهه هایی نیز بر این روابط سطوح مختلفی از تنش، منازعه و بحران حاکم شده است که از جمله وقوع منازعات قومی در بلوچستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره نمود که از مهم ترین چالش های نظام جمهوری اسلامی در دهه اول انقلاب بوده است که آثار و عواقب زیانباری را بر این مناطق و بر ساخت سیاسی کشور و نیز بر روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقوام وارد کرده است و در حال حاضر نیز سوء استفاده دشمنان انقلاب از موضوع قومیت ها در کشور بخصوص در این منطقه ضرورت توجه ویژه را از سوی مسئولین می طلبد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۳، ص ۴۹)

اخیراً نیز برخی از این بحران‌ها فضای امنیتی منطقه را تا حدی تحت تأثیر خود قرار داده و باعث بروز حساسیت‌های قومی در جنوب شرق کشور شده است. وجود قوم بلوچ در منطقه جنوب شرق ایران و همبستگی یا عدم همبستگی آنان با دیگر اقوام ساکن در منطقه و نیز ارتباط این قوم با دنباله‌اقوام خود در پاکستان و افغانستان، مسائل دینی و مذهبی موجود در منطقه، بحث توسعه و محرومیت زدائی استان، نقش عوامل استکبار در تحریک این قوم در راستای ضربه زنی به نظام انقلاب اسلامی و چندین نکته دیگر ضرورت توجه کافی و وافی به امر قومیت‌ها در استان سیستان و بلوچستان را دو چندان می‌کند.

در ضرورت توجه به موضوع قومیت و تأثیر آن بر امنیت منطقه همین نکته کافی است که منطقه شرق با توجه به استراتژیک بودن آن بعنوان پل امنیتی ایران یاد می‌شود و در این میان این نکته قابل ذکر است که منطقه سیستان و بلوچستان یکی از مناطق اصلی امنیت کشور است و هر در طول تاریخ هر زمان شرق ایران امنیت یافته است، حکومت مرکزی در ایران صاحب نیرویی بسیار قوی برای مدت‌های طولانی و حفظ امنیت ملی کشور شده است، که این مطالب نیز ضرورت توجه وافر به امنیت در این منطقه نشان می‌دهد و با توجه به رابطه میان قومیت و امنیت ضرورت پرداختن به موضوع قومیت در این منطقه اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

موقعیت جغرافیایی ویژه استان سیستان و بلوچستان و تحرکات عناصر بیگانه و دخالت‌های عوامل خارجی و کشورهای همسایه حساسیت‌های لازم را برای توجه کافی و لازم به مساله قومیت‌ها در استان فراهم آورده تا بتوانیم به لحاظ نظری و علمی به درک بهتری از مسائل قومی در این استان بپردازیم تا در راستای دستیابی به اهداف و منافع ملی و جلوگیری از سوء استفاده عناصر فرصت طلب از واقعیت قومی موجود در منطقه توجه ویژه‌ای به این موارد داشته باشیم. چرا که گاه بروز همین بحران‌های قومی در یک منطقه خاص زمینه‌های کشمکش‌ها، تنش‌ها و ناآرامی‌هایی را فراهم آورده که نهایتاً منجر به تجزیه اراضی آن منطقه شده است. با توجه به تعارض سنخ نظام بین الملل با نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌بایست از منظر پیش بینی و آینده نگری رخداد‌های واقعی از این قبیل موارد را از نظر دور نداریم. برای مثال ایده تأسیس بلوچستان بزرگ که از سوی قدرت‌های استعماری و به منظور ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است در راستای تشویق بلوچ‌های ایران به سمت و سوی ناسیونالیسم قومی بلوچ و انجام فعالیت‌های استقلال طلبانه در مقابل حکومت مرکزی بوده و از موارد دیگر می‌توان به طرح و رواج شعارهایی مبنی بر تحت ستم قرار بودن اقلیت‌های قومی منطقه اشاره نمود که لزوم هوشیاری در خصوص مسائل قومی در سیستان و بلوچستان بیش از پیش آشکار می‌گردد.

قوم بلوچ و اقلیت‌های مذهبی آن در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد که متأسفانه شیب برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است و از جوانب مختلف از جمله ارتباطات و پیوندها به خارج از مرزها و سرایت آن به داخل مرز، عدم نظارت جامع و کامل حاکمیت ملی، و مواجه شدن دولت با جنبش‌های استقلال طلبانه آن سوی مرز، وجود کانون‌های فعال بحران‌های قومی و مذهبی در جداره‌های همسایگان ایران مثل هندوستان که ممکن است کل منطقه را در شعله‌های آتش فتنه غوطه‌ور ساخته و به سرعت با بحران‌های واگرایی قومی، مذهبی مواجه سازد، موجب گردیده تا با رویکرد دیگری مسأله اقوام در این منطقه را مورد توجه قرار دهیم.

با نگاهی تاریخی به حوادث معاصر کشور رد پای مساله دخالت بیگانگان را در آشوب‌های قومی می‌توان براحتی مشاهده نمود. همچنین موازی بودن شکاف قومی با شکاف‌های مذهبی و زبانی، شکاف‌ها و تعارض گروه‌های متنوع نقش مهمی در میزان ثبات یا ایجاد بی‌نظمی و ناامنی کشور دارد. این شکاف‌ها و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیر فعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکاف‌ها موجب اختلاف با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی می‌گردد که در ایران قابل مشاهده است، زیرا در اغلب مناطق قومی‌نشین کشور، تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی همراه است، بالطبع اگر این تضادها فعال شود و شکاف‌ها عمیق گردد موجب ناامنی خواهد گردید، هرچند در خصوص عوامل هویت ساز همچون زبان و نژاد مشاهده می‌شود که فرهنگ ایرانی سلطه کامل داشته و بنابراین از این حیث خطری در میان نخواهد بود. (حق‌پناه، ۱۳۷۷، ص ۶۵)

۳- اهداف تحقیق

در جوامع چند قومی یا پلی ژنیک موضوع همزیستی مفهوم تنوع قومی یا وحدت ملی امری است منوط به اتخاذ رهیافتی که بتواند در عین کثرت در خرده فرهنگ‌های قومی وحدت منش ملی را محقق سازد و نهایتاً به ایجاد امنیت در منطقه منجر شود.

با توجه به مد نظر قرار گرفتن موضوع قومیت‌ها در این پژوهش و با عنایت به گسترده بودن موضوع اقوام مختلف ساکن در کشور ایران و اینکه هر کدام در برهه‌های مختلفی از زمان بحران‌ها قومی و مسائل امنیتی را برای مناطق مختلف کشور ایجاد کرده‌اند و اینکه بررسی تمامی اقوام و چالش‌های امنیتی آنان وقت زیادی را طلبیده و در چارچوب این تحقیق نمی‌گنجد با توجه به ضرورت مسأله و اینکه در خصوص رابطه

امنیت منطقه و این قوم کارهای زیادی صورت نگرفته است، لذا در نظر است صرفاً بر نقش قوم بلوچ تأکید شده و به بررسی و مطالعه اساسی نقش قوم بلوچ و توجه به اهمیت آن در منطقه، نقش آن را در امنیت سیستان و بلوچستان مورد بررسی قرار دهد که امید است نتیجه تحقیق برای نظام جمهوری اسلامی ایران مثمرتر واقع گردد.

این پژوهش در صدد است ضمن تبیین مسائل قومی در استان سیستان و بلوچستان با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی، فقر و محرومیت‌ها، ارتباط آنان با بیگانگان آنسوی مرز، تفاوت دیدگاه‌های دینی و مذهبی را مورد بررسی قرار داده و راهکارهایی در جهت سوق دادن قوم بلوچ و فارس در راستای همگرایی بیشتر با توجه به زمینه همکاریهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نهایتاً افزایش امنیت منطقه پیشنهاد نماید. هدف بازشناسی عوامل ایجاد کننده مشکلات و مسائل قومی و تأثیر آن بر امنیت منطقه است. در همین راستا به بررسی نقش نیروهای خارجی و مداخلات آنان و نیز دامن زدن به اختلافات دینی و مذهبی افراد و همچنین تشویق و تهییج نخبگان در کنار بررسی عوامل مرکزگریزی می پردازد و ضمن بررسی موقعیت جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان و هم مرز بودن آن با کشورهای بی ثبات افغانستان و پاکستان، بافت جمعیتی، نحوه زندگی و معیشت مردم و محرومیت‌های موجود در منطقه، به نقش موارد مذکور در ناامنی منطقه پرداخته و در صدد ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در زمینه حل مشکلات موجود در راستای رسیدن به امنیت مطلوب مورد نظر می باشد که چه بسا با نگاهی دقیق و بررسی مناسب مسائل قومی در منطقه سیستان و بلوچستان می توان آنرا به عنوان فرصت و نه تهدید در نظر گرفت که منجر به ارتقاء شاخص‌های توسعه در استان گردد.

۴- پیشینه تحقیق

با عنایت به اینکه بیش از نیمی از جمعیت کشور ایران دارای اقوام غیر فارس می باشد و نظر به اهمیت موضوع بخصوص در استانهای مرزی کشور موضوع قومیت‌ها در ج.ا.ایران بسیار زیاد مورد توجه قرار گرفته، بخصوص اینکه امنیت مناطق مرزی خصوصاً استان سیستان و بلوچستان به نحوی با این موضوع مرتبط شده است و بر همین اساس پژوهش‌های مورد نظر درخصوص رابطه قومیت و امنیت در این استان از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و مطالعات و پژوهش‌هایی درخصوص رابطه امنیت و قومیت انجام گرفته است، منتهی مطالعات موردی در این خصوص کمتر مورد توجه قرار گرفته است، حال آنکه می توان گفت با توجه به وجود اقوام مختلف در کشور ایران، امنیت و قومیت و رابطه آن دو می تواند نقش بسیار مؤثری در منطقه مورد مطالعه داشته باشد و نقش قوم بلوچ بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در

خصوص مسئله امنیت استان سیستان و بلوچستان موارد و مؤلفه های متفاوت امنیتی در نظر گرفته شده است؛ از جمله در خصوص نقش مسائل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی و نقش آن در امنیت استان سیستان و بلوچستان پایان نامه ای در مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی با عنوان نقش عوامل جغرافیایی در امنیت سیستان و بلوچستان به قلم محمدباقر قالیباف سال ۱۳۷۵ در دانشگاه تهران به رشته تحریر درآمده است. نامبرده در این پژوهش با مد نظر قرار دادن مناطق و موقعیت های جغرافیایی استان تأثیر آن را بر امنیت استان یادآور شده است و با بررسی شرایط و موقعیت جغرافیایی من جمله همسایگی با کشورهای پاکستان و افغانستان تأثیر آن را بر امنیت منطقه مورد بررسی قرار داده است. ید... کریم پور در کاری مشابه با عنوان تحلیل نواحی ژئوپولیتیک نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ تدوین شده است که به تحلیل نواحی ژئوپولیتیک نواحی استان سیستان و بلوچستان و ارتباط آن با امنیت استان می پردازد و علت نامی های موجود در منطقه را بدلیل شرایط خاص آن منطقه می داند. محمدرضا حافظ نیا و مراد کاویانی در یک پژوهش نقش قوم بلوچ را در همبستگی ملی مورد مطالعه قرار داده اند که در آن ضمن بیان پیشینه ای از قوم گرایی در ایران و نقش دولت ها در آن عوامل همبستگی را مورد مطالعه قرار داده و در ادامه به تبیین مسائل قومی و علل آن در استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. وی در تحقیق خود به نقش وسایل ارتباط جمعی در آگاهی های قومی قوم بلوچ اشاره کرده و این آگاهی ها را منجر به پی بردن بیشتر به هویت قوم بلوچ می داند. در پایان نامه کارشناسی ارشد به تحریر علی محمد زارع مهرجردی در سال ۱۳۷۲ عوامل همسازی و ناهمسازی بلوچستان ایران با مرکز مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش تألیف کتاب می توان از اثر مجتبی مقصودی با عنوان تحولات قومی در ایران بطور کامل علل و زمینه های اقوام را مورد توجه قرار داده و ضمن برشمردن مکاتب و نظریات مختلف قومی به بررسی تاریخچه ای از جنبش های اقوام مختلف ایران از زمان مشروطیت تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بخشی از کتاب قوم بلوچ و مناقشات دولت مرکزی با قوم بلوچ در دوران های مختلف از زمان مشروطیت تا بعد از انقلاب را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. در اثر دیگری به نام مدیریت منازعات قومی در ایران تألیف سیدرضا صالحی امیری وی نیز با اشاره به مکاتب و نظریه متفاوت قومی، موضوع را از زاویه مدیریت و سیاستگذاری مورد توجه قرار داده و به تبیین الگوهای مختلف سیاستگذاری قومی پرداخته و در ادامه کتاب نیز مسائل قومی در ایران معاصر را بررسی و چالش و مشکلات قومی در ایران را مورد شناسایی قرار داده که در بخشی از کتاب از بحرانهای قومی سیستان و بلوچستان و علل و زمینه های آن سخن به میان آورده است. علیرضا اسلامی در مقاله قومیت و ابعاد آن در ایران ضمن برشماری علل شکل گیری ناسیونالیسم قومی به قومیت های مختلف در ایران اشاره و ضمن تیپ شناسی اقوام در ایران و